

# استادانه

محتوای خوب از ما، نهره خوب برای شما

خلاصه کتاب اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم محمد داودی

**دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی**

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

**اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری**

[www.OSTADANEH.com](http://www.OSTADANEH.com)



**توجه توجه**

## فهرست مطالب

- فصل اول: کلیات..... ۲
- فصل دوم: مبانی اخلاق اسلامی..... ۱۰
- فصل سوم: فضیلت‌های اخلاقی ایمانی..... ۱۷
- فصل چهارم: فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی..... ۳۶
- فصل پنجم: آشنایی با برخی رذایل اخلاقی..... ۵۶

## فصل اول: کلیات

### اهمیت و ضرورت اخلاق در اسلام

علمای مسلمان، علم اخلاق را برتر از سایر علوم می‌دانند و آن را عامل اصلی اصلاح رفتار و سلامت روح انسان معرفی کرده‌اند. این علم به تربیت انسان از جهت انسانیت او می‌پردازد و نقش محوری در سعادت فردی و اجتماعی دارد. به همین دلیل، توصیه می‌شود پیش از فراگیری هر علمی، دانش اخلاق آموخته شود.

### دلایل اهمیت علم اخلاق

۱. **سلامت روحی انسان:** روح انسان مانند جسم او، سلامت و بیماری دارد. خداوند در قرآن کریم درباره منافقان می‌فرماید: **فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا** بقره: ۱۰ ترجمه: در دل‌هایشان بیماری‌ای است و خدا بر بیماری‌شان افزود. برای حفظ سلامت بدن، آشنایی با ویژگی‌های بدن سالم و راه‌های درمان بیماری‌های جسمی ضروری است. به همین ترتیب، برای حفظ سلامت روح، شناخت ویژگی‌های روح سالم، بیماری‌های روح و روش‌های درمان آن‌ها لازم است. سلامت روح در گرو داشتن صفات پسندیده است، درحالی‌که بیماری روح نتیجه تأثیر صفات ناپسند بر آن است. علم اخلاق به ما می‌آموزد چگونه صفات ناپسند را از بین ببریم و صفات پسندیده را در نفس خود جای دهیم.

۲. **توانایی تشخیص حق از باطل:** برای تشخیص خوب از بد و زشت از زیبا، سلامت روح و تهذیب نفس ضروری است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** مطففین: ۱۴ ترجمه: نه چنین است، بلکه اعمال زشتشان زنگاری بر دل‌هایشان بسته است.

علامه طباطبایی درباره این آیه می‌گوید: رفتارهای ناپسند اثری بر قلب انسان می‌گذارند که توانایی درک حقایق را از او می‌گیرد. در واقع، همان‌طور که گفته شده است: عقل سالم در بدن سالم است، از دیدگاه قرآن، سلامت روح شرط اصلی درک حقایق و تشخیص صحیح از خطاست. بنابراین، علم اخلاق که به سلامت روح می‌پردازد، نقش اساسی در این توانایی دارد.

۳. **آرامش در زندگی:** بیماری‌های روحی مانند حسادت، کینه‌توزی و تکبر، همان‌طور که سلامت روان انسان را مختل می‌کنند، می‌توانند آرامش زندگی او را نیز از بین ببرند. خداوند می‌فرماید: **وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** اسراء: ۸۲ ترجمه: ما از قرآن آنچه مایه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم. روانشناسان امروز نیز تأکید دارند که بیماری‌های روحی می‌توانند باعث ایجاد بیماری‌های جسمی شوند. مثلاً افسردگی ممکن است مشکلات گوارشی ایجاد کند. تنها راه نجات از این بیماری‌ها، آگاهی عمیق از علم اخلاق و عمل به آن است.

۴. **نشاط و شادابی در زندگی اجتماعی:** رعایت اصول اخلاقی در جامعه، باعث تقویت روابط انسانی و ایجاد محیطی سرشار از شادی و نشاط می‌شود. در جامعه‌ای که اخلاق رعایت شود، زندگی اجتماعی بهبود می‌یابد و اهداف اقتصادی و سیاسی آن جامعه به راحتی محقق می‌شوند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا** شمس: ۹-۱۰ ترجمه: هر که نفس خود را پاک گرداند، قطعاً رستگار شد و هر که آن را آلوده سازد، قطعاً زیان دید. سعادت فردی و اجتماعی انسان، در گرو تخلق به فضیلت‌های اخلاقی و پاک بودن از رذیلت‌های اخلاقی است. خداوند هدف از بعثت پیامبران

را تزکیه نفس انسان‌ها معرفی کرده است: **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ** جمعه: ۲ ترجمه: اوست آن که در میان بی‌سوادان پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. به همین دلیل، علم اخلاق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای رسیدن به کمال و سعادت در اسلام شناخته شده است.

## جایگاه اخلاق از منظر پیامبر اسلام و اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی

پیامبر اسلام (ص) جایگاه والایی برای اخلاق قائل بود و آن را به‌عنوان یکی از اهداف اصلی رسالت خود مطرح کرد. ایشان فرمود: **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ** ترجمه: همانا من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم.

## جایگاه اخلاق در تعالیم پیامبر اسلام

۱. نقش اخلاق در دین: در احادیث دیگری نیز آمده است: **الإسلام حسن الخلق** ترجمه: اسلام همان نیک‌خویی است. **حسن الخلق نصف الدین**: ترجمه: نیک‌خویی نیمی از دین است. این سخنان نشان‌دهنده اهمیت اخلاق و تهذیب اخلاقی در دین اسلام است.

۲. اخلاق عملی پیامبر: پیامبر اسلام نه تنها در سخنان خود بر اخلاق تأکید می‌کرد، بلکه در عمل نیز الگوی کامل اخلاق بود. قرآن کریم درباره اخلاق ایشان می‌فرماید: **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ** قلم: ۴ ترجمه: و همانا تو بر خویی بزرگ هستی.

**نمونه‌ای از رفتار اخلاقی پیامبر:** پس از فتح مکه، با وجود ظلم‌ها و خیانت‌های مشرکان، پیامبر (ص) فرمان عفو عمومی صادر کرد و از رفتارهای زشت آنان چشم‌پوشی نمود. این اقدام بزرگ نشان‌دهنده اوج اخلاق‌مداری ایشان بود. همچنین در سال نهم هجری، دختر حاتم طایی، اسیر مسلمانان شد. او با بیان فضایل اخلاقی پدرش، از پیامبر (ص) درخواست آزادی کرد. پیامبر فرمود: "این صفات از صفات مؤمنان راستین است. اگر پدرت مسلمان بود، ما برای او طلب آمرزش می‌کردیم". سپس به پاس احترام به فضایل اخلاقی پدرش، دستور آزادی او را صادر کرد.

## تجربه بشری و ضرورت اخلاق

تجربه بشری نیز ثابت کرده که بدون پایبندی به اصول اخلاقی، زندگی آرام ممکن نیست. در دوران معاصر، در جوامع غربی، به دلیل کاهش توجه به اصول اخلاقی، آسیب‌های جدی به جامعه وارد شده است. برای مثال، **لیکونا** می‌گوید: "نوزادان در آشغال‌دانی‌ها، میلیون‌ها سقط جنین در هر سال، سوءاستفاده‌های جنسی و بدنی از کودکان، فقیر بودن یک‌چهارم کودکان، و افزایش مشکلات اخلاقی، نشان‌دهنده انحطاط معنوی و اخلاقی است". این بحران‌ها باعث شده که مدارس، خانواده‌ها، کلیساها و دیگر نهادها تلاش کنند تا اخلاق را در اولویت قرار داده و آن را به جوانان منتقل کنند. اخلاق نقش بسیار مهمی در سعادت فردی و اجتماعی انسان دارد. از این رو، علم اخلاق بر دیگر علوم برتری دارد یا دست‌کم در میان علوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این علم به تربیت انسان، تهذیب نفس و رشد فضایل اخلاقی می‌پردازد و پایه‌گذار سعادت در

دنیا و آخرت است. پس از بررسی اهمیت اخلاق، پرسش‌هایی مطرح می‌شود: علم اخلاق چیست؟ از چه مسائلی بحث می‌کند؟ و چه رابطه‌ای با علوم دیگر دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها در گام بعدی بررسی می‌شود.

## تعریف علم اخلاق

از بحث پیرامون اهمیت و ضرورت علم اخلاق، تا حدود زیادی می‌توان ماهیت و تعریف این علم را دریافت. با این وجود، برای ارائه تعریفی دقیق، ابتدا باید معنای لغوی واژه "اخلاق" روشن شود.

## معنای لغوی اخلاق

واژه "اخلاق" جمع "خُلُق" است.

- **خُلُق**: حالتی درونی و کیفیتی باطنی است که با حواس ظاهری قابل مشاهده نیست.
  - **خلق**: حالتی محسوس و ظاهری است که با چشم و حواس ظاهری دریافتنی است.
- در زبان فارسی، واژه "سیرت" به کیفیت‌های درونی مانند مهربانی و شجاعت اشاره دارد، و "صورت" به ویژگی‌های ظاهری مانند رنگ پوست، قد و زیبایی گفته می‌شود. بنابراین، "اخلاق" به صفات باطنی و معنوی انسان اشاره دارد که اگرچه به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند، آثار آن‌ها در رفتارهای فرد آشکار می‌شود. هر خُلُقی مقتضی رفتار خاصی است؛ برای مثال:

- **سخاوت**: موجب بخشش و کمک به دیگران بدون تردید و سختی می‌شود.

- **دروغگویی**: رفتاری ناشایست و برخاسته از صفتی ناپسند است.

صفات باطنی ممکن است پسندیده فضیلت یا ناپسند رذیلت باشند.

## تعریف علم اخلاق از دیدگاه دانشمندان

### ابن مسکویه

ابن مسکویه مستقیماً تعریف جامعی از علم اخلاق ارائه نداده است؛ اما از آثار او، تعریفی ضمنی به‌دست می‌آید. وی در کتاب تهذیب‌الاخلاق می‌نویسد: "هدف این کتاب، ایجاد صفاتی درونی در انسان است که اعمال صادرشده از او زیبا و پسندیده باشند و به‌آسانی و بدون سختی انجام گیرند". وی خلق را چنین تعریف می‌کند: "حالتی است که افعال مناسب با آن، بدون نیاز به تفکر و تأمل، از فرد صادر می‌شود". بر این اساس، از نظر ابن مسکویه: علم اخلاق دانشی است که صفات خوب و بد و راه‌های کسب صفات خوب و دوری از صفات بد را بررسی می‌کند.

### خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری علم اخلاق را چنین تعریف می‌کند: "علمی است که به انسان می‌آموزد چگونه صفاتی در نفس خود ایجاد کند که تمامی افعال ارادی او نیکو و پسندیده باشند". از دیدگاه خواجه نصیر: علم اخلاق بیان‌کننده صفات خوب و بد، چگونگی ایجاد صفات نیکو، و راه دوری از صفات زشت است.

### ملاحمد نراقی

ملاحمد نراقی در کتاب معراج‌السعادة تعریفی دقیق از علم اخلاق ارائه نکرده، اما در بیان فایده آن گفته است: "فایده علم اخلاق، پاک‌سازی نفس از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله است که به آن تهذیب اخلاق

می‌گویند". بنابراین از نظر وی: علم اخلاق به بررسی فضایل و رذایل، و چگونگی کسب فضایل و زدودن رذایل می‌پردازد.

## موضوع علم اخلاق

بر اساس تعاریف مختلف، موضوع علم اخلاق عبارت است از:

- صفات نفسانی فضایل و رذایل : صفاتی که منشأ رفتارهای نیکو یا زشت هستند.
- اعمال و رفتارهای اختیاری : رفتارهایی که برآمده از صفات نفسانی‌اند.

اخلاق دانان بحث کرده‌اند که آیا علم اخلاق فقط صفات نفسانی را شامل می‌شود یا رفتارهای اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه رفتارها بازتاب صفات درونی‌اند، علم اخلاق هم به صفات و هم به رفتارهای ناشی از آنها می‌پردازد.

## تعریف جامع علم اخلاق

علم اخلاق دانشی است که صفات نفسانی خوب و بد فضایل و رذایل، اعمال و رفتارهای اختیاری پسندیده و ناپسند، و همچنین راه‌های کسب صفات خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات بد و رفتارهای ناپسند را بررسی می‌کند.

رابطه علم اخلاق با دیگر علوم: دانشمندان مسلمان علوم را به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌کنند:

۱. علوم نظری: به شناخت حقیقت امور می‌پردازند هست‌ها.

۲. علوم عملی: به رفتارهای انسان و باید‌ها توجه دارند.

علم اخلاق در دسته علوم عملی قرار می‌گیرد؛ زیرا ناظر به باید‌ها است و به تنظیم رفتارهای انسانی می‌پردازد. با این حال، این علم با برخی دیگر از علوم مانند حقوق، فلسفه اخلاق، روانشناسی، و تعلیم و تربیت نیز ارتباط نزدیکی دارد. در ادامه، این روابط و تفاوت‌ها بررسی می‌شوند.

## ۱. علم اخلاق و علم حقوق

هر دو علم از علوم عملی‌اند و با باید‌ها سر و کار دارند؛ اما تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد:

### الف. ضمانت اجرا

- حقوق: قوانین آن ضمانت اجرای بیرونی دارد و دولت موظف است متخلفان را مجازات کند.
- اخلاق: ضمانت اجرای آن درونی است و توسط وجدان انسانی کنترل می‌شود. حکومت دخالتی در اجرای قواعد اخلاقی ندارد.

### ب. موضوع تنظیم رفتار

- حقوق: به تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها در این دنیا می‌پردازد و به رفتارهای فردی یا ارتباط انسان با خدا توجهی ندارد.

- اخلاق: تمامی رفتارهای انسان را فردی، اجتماعی، و ارتباط با خدا تنظیم می‌کند.

### ج. هدف

- حقوق: هدف آن تأمین مصالح دنیوی جامعه است و توجهی به کمال معنوی انسان ندارد.
- اخلاق: هدف آن رساندن انسان به کمال شایسته انسانی است، هم در دنیا و هم در آخرت.



د. هم‌پوشانی قواعد: گاهی قواعد اخلاقی به قوانین حقوقی تبدیل می‌شوند، مانند قانون ممنوعیت توهین به دیگران که علاوه بر جنبه اخلاقی، ضمانت اجرای قانونی نیز دارد.

## ۲. علم اخلاق و فلسفه اخلاق

علم اخلاق و فلسفه اخلاق هر دو با مباحث اخلاقی مرتبط‌اند، اما رویکردهای متفاوتی دارند:

### الف. موضوع بحث

- **علم اخلاق:** به صفات خوب و بد، رفتارهای متناسب با آنها، و راه‌های کسب صفات خوب و دوری از صفات بد می‌پردازد. مثلاً شجاعت را به‌عنوان فضیلت معرفی می‌کند و رفتارهای متناسب با آن مانند نترسیدن در جنگ و حضور در میدان نبرد را توضیح می‌دهد.
- **فلسفه اخلاق:** مباحث نظری‌تری را مطرح می‌کند، از جمله:
  - ماهیت اخلاق چیست؟
  - معیار خوبی و بدی چیست؟
  - چرا باید اخلاقی باشیم؟

### ب. رویکرد

- **علم اخلاق:** عملی و تجویزی است.
- **فلسفه اخلاق:** نظری و تحلیلی است و به مبانی و ریشه‌های اخلاق می‌پردازد.

## ۳. علم اخلاق و روانشناسی

رابطه علم اخلاق و روانشناسی نیز قابل توجه است:

**الف. وجه اشتراک:** هر دو علم با رفتار و ویژگی‌های انسان سر و کار دارند. روانشناسی به مطالعه رفتارهای انسانی و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد که می‌تواند به علم اخلاق در شناخت بهتر انسان و راه‌های اصلاح صفات و رفتارها کمک کند.

### ب. تفاوت‌ها

- **روانشناسی:** جنبه توصیفی دارد و رفتارها را بر اساس عوامل زیستی، محیطی، و روانی بررسی می‌کند.
- **علم اخلاق:** تجویزی است و بیان می‌کند انسان باید چه رفتارهایی داشته باشد و چگونه صفات نیک را در خود پرورش دهد.

۴. **علم اخلاق و تربیت و تربیت:** علم اخلاق و تعلیم و تربیت اهداف مشترکی دارند، اما در رویکرد تفاوت‌هایی دارند:

**الف. وجه اشتراک** هر دو علم به اصلاح و پرورش انسان می‌پردازند.

### ب. تفاوت‌ها

- **علم اخلاق:** بیشتر به صفات و رفتارهای فردی و درونی توجه دارد و راهکارهایی برای ایجاد فضایل و دوری از رذایل ارائه می‌دهد.
- **تعلیم و تربیت:** علاوه بر اخلاق، به انتقال دانش، مهارت‌ها، و ارزش‌های اجتماعی نیز می‌پردازد و روش‌های آموزشی و تربیتی را بررسی می‌کند.

علم اخلاق، با وجود ارتباط نزدیک با علومی همچون حقوق، فلسفه اخلاق، روانشناسی، و تعلیم و تربیت، رویکردی منحصر به فرد دارد. این علم با هدف دستیابی به کمال انسانی، به صفات درونی و رفتارهای انسانی پرداخته و به دنبال ایجاد فضایل و دوری از رذایل است. برای پرداختن به مباحث اخلاق و روانشناسی، ابتدا باید پذیرفت که رفتارهای انسانی دارای صفت خوب و بد هستند و انسان موظف است از صفات بد دوری کرده و صفات خوب را در خود ایجاد کند. این امر مستلزم معیارهایی برای شناسایی خوبی و بدی است و نیازمند تعریف واضح مفاهیمی چون "خوب"، "بد"، "زشت" و "زیبا" است که در حوزه فلسفه اخلاق بررسی می‌شوند. فلسفه اخلاق، بر خلاف علم اخلاق، به تحلیل پیش‌فرض‌های اخلاقی و توصیف واقعیت‌ها می‌پردازد، در حالی که علم اخلاق بر توصیه‌ها و بایدها متمرکز است.

**رابطه علم اخلاق و تعلیم و تربیت:** تعلیم و تربیت شامل مجموعه‌ای از اعمال هدفمند مربی است که برای رشد و شکوفاسازی ابعاد مختلف انسان، از جمله بعد اخلاقی او، انجام می‌شود. اگرچه علم اخلاق و تعلیم و تربیت هر دو در هدایت اخلاقی انسان مشترک هستند، اما تفاوت‌هایی نیز دارند:

۱. علم اخلاق علاوه بر روش‌های تربیت اخلاقی، صفات و رفتارهای پسندیده و ناپسند را مشخص می‌کند، در حالی که تعلیم و تربیت به این موضوع نمی‌پردازد و آن را به عنوان پیش‌فرض می‌پذیرد.
۲. تعلیم و تربیت تنها به بعد اخلاقی محدود نیست، بلکه سایر ابعاد انسان مانند علمی، حرفه‌ای و دینی را نیز شامل می‌شود. بنابراین، رابطه این دو علم از نوع "عموم و خصوص من وجه" است.

**رابطه علم اخلاق و روانشناسی:** روانشناسی علمی است که به مطالعه رفتارهای انسانی، چه ظاهری و چه ذهنی، و عوامل موثر بر آنها می‌پردازد. این علم هم شامل گزاره‌های توصیفی مانند تحلیل رفتارها و عوامل موثر بر یادگیری و هم گزاره‌های تجویزی مانند ارائه راهکار برای بهبود رفتارها است. در مقابل، علم اخلاق تنها با گزاره‌های تجویزی سروکار دارد. روانشناسی، بر خلاف علم اخلاق که فقط به بعد اخلاقی انسان می‌پردازد، تمام ابعاد رفتاری انسان، از جمله اخلاقی، دینی، عاطفی و علمی را بررسی کرده و برای بهبود آنها تلاش می‌کند.

## وسعت قلمرو روانشناسی در مقایسه با علم اخلاق:

۱. روانشناسی همه ابعاد وجودی انسان را مطالعه می‌کند، درحالی‌که علم اخلاق تنها بر بعد اخلاقی تمرکز دارد.
۲. روانشناسی هم شامل گزاره‌های توصیفی است و هم تجویزی، اما علم اخلاق فقط به گزاره‌های تجویزی می‌پردازد.

با این حال، علم اخلاق به روانشناسی وابسته است، زیرا برای شناسایی صفات خوب و بد و ارائه روش‌های مؤثر برای ایجاد یا حذف این صفات، نیازمند اطلاعات روانشناسی است. به عنوان مثال، روانشناسی توضیح می‌دهد که صفات چگونه شکل می‌گیرند، چه عواملی بر تقویت یا تضعیف آنها اثر می‌گذارند، و چگونه می‌توان رفتارهای انسان را تغییر داد. از این رو، روانشناسی نه تنها فراتر از تعلیم و تربیت است، بلکه منبعی ارزشمند برای آن به شمار می‌رود.

## تاریخچه علم اخلاق اسلامی

یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام، تزکیه مردم از آلودگی‌های اخلاقی بود. در قرآن کریم آمده است که خداوند پیامبر اسلام را برای پاکسازی و تعلیم کتاب و حکمت به مردم فرستاده است. پیامبر اسلام خود نیز

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت خود را تکمیل فضایل اخلاقی اعلام کرده بود: *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ*. پس از رحلت پیامبر اسلام، توجه به مسائل اخلاقی ادامه پیدا کرد و امیرالمؤمنین علی (ع) اولین فردی بود که اثری مکتوب در این زمینه به یادگار گذاشت. ایشان در نامه‌ای به امام حسن (ع) نکات مهمی در مورد اخلاق و تربیت اخلاقی بیان کرده‌اند که در نهج البلاغه آمده است. ابواحمد حسن بن عبدالله عسگری از دانشمندان اهل سنت، این نامه را در کتاب *الزواجر والمواعظ* آورده و آن را بسیار ارزشمند توصیف کرده است. در دوران امامان معصوم، مسائل اخلاقی بسیاری مطرح شد و روایات زیادی در این زمینه در کتاب‌های معتبر اسلامی یافت می‌شود. برای مثال، در کتاب کافی، بخشی از جلد دوم آن به اخلاقیات اختصاص دارد و مباحثی چون کتاب العشره و صفات المؤمن را شامل می‌شود.

در قرون اولیه اسلامی، چندین اثر مهم در زمینه اخلاق توسط اصحاب امامان نوشته شد. اولین اثر مستقل در این زمینه توسط اسماعیل بن مهران در قرن دوم هجری با عنوان *صفة المؤمن و الفاجر* تألیف شد. در قرن سوم، کتاب‌هایی چون *المانعات من دخول الجنة* توسط جعفر بن احمد قمی و *تحف العقول* توسط محمد بن علی بن حسین بن شعبه حرانی نگاشته شدند.

در قرن چهارم، آثار مهمی چون *مکارم الأخلاق* توسط علی بن احمد کوفی و *السعادة و الإسعاد* توسط ابوالحسن عامری منتشر شد. در قرن پنجم، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق* توسط ابن مسکویه نوشته شد. قرن ششم شاهد انتشار آثار مهمی چون *احیاء علوم الدین* و *کیمیای سعادت* توسط غزالی و همچنین *تنبیه الخاطر و نزهة الناظر* بود.

در قرن هفتم، خواجه نصیرالدین طوسی کتاب‌هایی چون *اخلاق ناصری* و *اوصاف الأشراف* را تألیف کرد. در قرن هشتم، کتاب *اخلاق الأشراف* و در قرن دهم کتاب‌های *اخلاق شمس* و *اخلاق کاشفی* منتشر شدند. مؤلفان این آثار به ترتیب، حسن بن روزبهان شیرازی و حسن بن علی کاشفی بودند. در قرن یازدهم، ملامحسن فیض کاشانی کتاب *محجة البیضاء فی تهذیب الأحياء* را نوشت. در قرن دوازدهم، ملامهدی نراقی کتاب *جامع السعادات* را تألیف کرد و پس از وی، ملااحمد نراقی کتاب *معراج السعادة* را نوشت. این روند همچنان ادامه دارد و نشان‌دهنده پیشینه طولانی و افتخارآمیز علم اخلاق در جهان اسلام است.

## رویکردهای مختلف در اخلاق اسلامی

با توجه به تعدد آثار نوشته‌شده در زمینه اخلاق اسلامی و گرایش‌های مختلفی که در جوامع علمی مسلمانان وجود داشته است، طبیعی است که رویکردهای مختلفی بر این آثار حاکم باشد. بررسی کتاب‌های اخلاقی اسلامی نشان می‌دهد که این آثار عمدتاً با چهار رویکرد فلسفی، عرفانی، نقلی و تلفیقی نگاشته شده‌اند:

۱. **رویکرد فلسفی:** برخی آثار اخلاقی با رویکرد فلسفی نوشته شده‌اند. این آثار به مباحث فلسفی درباره نفس انسان، قوای نفسانی و کمال آن‌ها پرداخته و سپس به بحث درباره فضایل و رذایل مرتبط با این قوای نفسانی می‌پردازند. مهم‌ترین آثار در این دسته عبارتند از:

- تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق نوشته ابن مسکویه
- اخلاق ناصری اثر خواجه نصیرالدین طوسی
- نظریه ارسطو درباره کمال آدمی و نظریه حد وسط او در تعیین فضایل این کتاب‌ها بیشتر به دنبال توضیح اصول اخلاقی بر اساس مباحث فلسفی و روان‌شناسی انسان هستند.



۲. **رویکرد عرفانی:** برخی آثار اخلاقی از رویکرد عرفانی پیروی می‌کنند که بیشتر بر سیر و سلوک معنوی، مراحل آن و تکامل روح انسان تأکید دارند. این آثار معمولاً از زبان شعر و داستان استفاده کرده و هدف آن‌ها هدایت فرد به کمال معنوی از طریق تصوف و عرفان است. مهم‌ترین آثار در این دسته عبارتند از:

- منازل السائرين نوشته خواجه عبدالله انصاری
- مثنوی معنوی تألیف مولوی
- منطق الطیر نوشته عطار نیشابوری در این آثار، عرفا تلاش کرده‌اند تا تجربیات عرفانی خود را با اصول شرع تطبیق دهند و به تبیین آن‌ها بپردازند.

۳. **رویکرد نقلی:** در آثار با رویکرد نقلی، منبع اصلی مطالب آیات قرآن و سنت نبوی است. صاحبان این آثار به جمع‌آوری و تنظیم روایات اخلاقی پرداخته و از منابع دینی برای بیان اصول اخلاقی استفاده کرده‌اند. از آثار معروف در این دسته می‌توان به مکارم الأخلاق نوشته طبرسی اشاره کرد. این رویکرد بیشتر بر استفاده از منابع دینی معتبر برای تبیین مسائل اخلاقی متمرکز است.

۴. **رویکرد تلفیقی:** در این رویکرد، یافته‌های فلسفی یا عرفانی با آیات قرآن و روایات ترکیب می‌شود. در این آثار، نه تنها از روایات و آیات استفاده می‌شود، بلکه مفاهیم فلسفی و عرفانی نیز به کار گرفته می‌شوند تا اخلاق را توضیح دهند. مهم‌ترین آثار این دسته عبارتند از:

- جامع السعادات نوشته ملامهدی نراقی
- معراج السعاده نوشته ملااحمد نراقی در این رویکرد، گاهی متون دینی آیات و روایات به‌عنوان محور قرار می‌گیرند و برای توضیح آن‌ها از رویکردهای عقلی و عرفانی بهره برده می‌شود. در مقابل، در برخی آثار مانند معراج السعاده، ابتدا مباحث اخلاقی فلسفی یا عرفانی مطرح می‌شود و سپس آیات و روایات برای توضیح آن‌ها استفاده می‌گردد.

در نهایت، رویکرد تلفیقی به‌ویژه در آثار اخیر بیشتر دیده می‌شود که در آن‌ها هم از آموزه‌های دینی و هم از نظریات فلسفی و عرفانی استفاده شده است تا اخلاق اسلامی به‌طور جامع‌تری تبیین گردد.